رویش روان شناسی، سال۱۵، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۱۸، فروردین ۱۴۰۵
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),15(1), 2026

مدل‌یابی معادلات ساختاری تاب‌آوری تحصیلی بر اساس سبک‌های والدگری با میانجی‌گری بهزیستی تحصیلی در دانش‌آموزان

Structural Equation Modeling of Academic Resilience Based on Parenting Styles with Mediation of Academic Well-being in Students

روح الامین امینی زاده
دکتری روانشناسی تربیتی، گروه علوم تربیتی و روانشناسی واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.
حمدالله منظری (نویسنده مسئول)
دانشیار، گروه علوم تربیتی و روانشناسی واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.
آناهیتا بحرینی زاده
استادیار، گروه علوم تربیتی و روانشناسی واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.
علیرضا منظری
دانشیار، گروه علوم تربیتی و روانشناسی واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

Rooholamin Aminizadeh
Ph.D. in Educational Psychology, Department of Educational Sciences and Psychology, Ke.C., Islamic Azad University, Kerman, Iran.
Hamdollah Manzari *
Associate Professor, Department of Educational Sciences and Psychology, Ke.C., Islamic Azad University, Kerman, Iran.
hmanzari@iau.ac.ir
Anahita Bahreinizadeh
Assistant Professor, Department of Educational Sciences and Psychology, Ke.C., Islamic Azad University, Kerman, Iran.
Alireza Manzari
Associate Professor, Department of Educational Sciences and Psychology, Ke.C., Islamic Azad University, Kerman, Iran.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مدل‌یابی معادلات ساختاری تاب‌آوری تحصیلی بر اساس سبک‌های والدگری با میانجی‌گری بهزیستی تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه دوم انجام شد. روش پژوهش توصیفی- همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان متوسطه دوم شهر کرمان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود، که ۴۰۰ نفر با روش نمونه-گیری دردسترس به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های بهزیستی تحصیلی (AWQ؛ تومینین-سوینی و همکاران، ۲۰۱۲)، تاب‌آوری تحصیلی(ARS؛ کسیدی، ۲۰۱۶)، و پرسشنامه سبک والدگری (PSQ؛ رابینسون و همکاران، ۲۰۰۱) استفاده شد. داده‌ها به روش مدل‌سازی معادلات ساختاری تحلیل شد. نتایج حاکی از برازش مناسب مدل پژوهش بود. یافته‌ها نشان داد بین سبک والدگری مقتدرانه، مستبدانه و سهل گیرانه به صورت مستقیم قادر به پیش‌بینی تاب‌آوری و بهزیستی تحصیلی بودند (p<۰۱)، تاب‌آوری تحصیلی به صورت مستقیم قادر به پیش‌بینی بهزیستی تحصیلی بود (p<۰۰۱). همچنین سبک والدگری مقتدرانه، استبدادی و سهل‌گیرانه توانست از طریق بهزیستی تحصیلی به صورت غیر مستقیم تاب‌آوری تحصیلی را پیش‌بینی کند (p<۰۰۱). این نتایج نشان می دهد سبک‌های والدگری با توجه به نقش مهم بهزیستی تحصیلی می‌تواند تبیین کننده تاب‌آوری تحصیلی باشد و لزوم توجه به این عوامل در تعامل با یکدیگر ضروری است.

واژه‌های کلیدی: *سبک‌های والدگری، بهزیستی تحصیلی، تاب‌آوری تحصیلی.*

Abstract

The present study aimed to model the structural equation of academic resilience based on parenting styles, with academic well-being as a mediator among secondary school students. The research method was descriptive-correlational, specifically using structural equation modeling. The statistical population of this study consisted of all secondary school students in Kerman city during the 2024-2025 academic year. A sample of 400 students was selected using a convenience sampling method. Data were collected using the Academic Well-Being Questionnaire (AWQ; Tominnen-Sweeney et al., 2012), the Academic Resilience Scale (ARS; Cassidy, 2016), and the Parenting Styles Questionnaire (PSQ; Robinson et al., 2001).Data analysis was performed using Structural Equation Modeling (SEM). The results indicated that there were significant relationships between parenting styles and academic resilience, parenting styles and academic well-being, and between academic resilience and academic well-being. Furthermore, academic well-being mediated the relationships between authoritative, authoritarian, and permissive parenting styles and academic resilience. The goodness-of-fit indices confirmed an acceptable model fit (χ^2/df = 3.46, GFI = 0.965, CFI = 0.969, RMSEA = 0.066). These findings highlight the critical role of parenting in fostering a supportive environment for students and suggest that academic well-being functions as a key mediating factor in enhancing academic resilience.

Keywords*: Parenting Styles, Academic Well-Being, Academic Resilience.*

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت: شهریور ۱۴۰۴** | **پذیرش: بهمن ۱۴۰۴** | **ویرایش نهایی: فروردین ۱۴۰۵**

مقدمه

جهان معاصر در حوزه آموزش و پرورش، شاهد تحولات شتابان و پیچیده‌ای بوده است که ماهیت یادگیری و الزامات موفقیت تحصیلی را دگرگون ساخته است. در چنین شرایطی، انتقال صرف دانش و مهارت‌های شناختی برای تضمین موفقیت دانش‌آموزان کافی نیست و نظام‌های تربیتی نیازمند توجه به ابعاد روان‌شناختی و عاطفی یادگیری هستند (پاتون[1] و همکاران، ۲۰۱۶). تمرکز انحصاری بر پیشرفت تحصیلی کمی، بدون در نظر گرفتن چالش‌ها و فشارهای روانی که دانش‌آموزان با آن مواجه می‌شوند، می‌تواند به قیمت بهزیستی عمومی آنان تمام شود. در پاسخ به این چالش، مفهوم «تاب‌آوری تحصیلی» به عنوان یک سازه روان‌شناختی کلیدی در مرکز توجه پژوهشگران قرار گرفته است (تان[2] و همکاران، ۲۰۲۴). دانش‌آموزانی که از تاب‌آوری تحصیلی بالایی برخوردارند، معمولاً در مواجهه با مشکلاتی همچون اضطراب امتحان یا فشار هم‌سالان، واکنش‌های مثبت‌تری نشان داده و با موفقیت بیشتری این موانع را پشت سر می‌گذارند (شنگیائو[3] و همکاران، ۲۰۲۴).

تاب‌آوری تحصیلی را می‌توان ظرفیت دانش‌آموز برای مقابله سازنده با ناملایمات، شکست‌ها و فشارهای محیط آموزشی تعریف کرد. این ظرفیت نه تنها به فرد اجازه می‌دهد در مواجهه با چالش‌ها عملکرد مطلوب خود را حفظ کند، بلکه از طریق این تجارب به رشد و شکوفایی بیشتری دست می‌یابد (آکتاش ترزیاوغلو و بوبر[4]، ۲۰۲۴). تاب‌آوری تحصیلی یک فرآیند پویا و انطباقی است که بر تعامل فرد با چالش‌های محیط آموزشی و ظرفیت او برای مدیریت استرس، حفظ انگیزه و تداوم تلاش برای دستیابی به اهداف تحصیلی تأکید دارد (شلاگا[5]، ۲۰۲۵).

در کانون عوامل متعددی که بر شکل‌گیری و تقویت این ظرفیت حیاتی تأثیر می‌گذارند، خانواده و به طور خاص، «سبک‌های والدگری[6]» قرار دارد. سبک والدگری به عنوان الگوی پایدار نگرش‌ها، رفتارها و روش‌های تربیتی که والدین در برخورد با فرزندان خود به کار می‌گیرند، سنگ بنای توسعه روان‌شناختی کودک محسوب می‌شود. سبک‌های والدگری الگویی از نگرش‌ها، رفتارها، و راهبردهای تربیتی والدین که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر رشد عاطفی، اجتماعی و تحصیلی فرزندان تأثیر می‌گذارد (شنگیائو و همکاران، ۲۰۲۴). بر مبنای طبقه‌بندی بامریند[7] (۱۹۹۱) سبک‌های والدگری به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل اجتماعی-روانی، نقش کلیدی در شکل‌گیری شخصیت و رفتارهای فرزندان ایفا می‌کنند. سبک‌های والدگری که به سه دسته مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه تقسیم می‌شوند (شکوهی مقدم و همکاران، ۲۰۱۱) تأثیرات متفاوتی بر رشد روانی و اجتماعی کودکان و نوجوانان دارند. والدین مقتدر که تعادلی میان محبت و نظارت برقرار می‌کنند، فرزندانی مستقل، با اعتماد به نفس و موفق تربیت می‌کنند (یافه[8]، ۲۰۲۴)، در مقابل، والدین مستبد که با کنترل بیش از حد و اعمال فشار بر فرزندان خود، باعث کاهش خودپنداره و اعتماد به نفس در آن‌ها می‌شوند، معمولاً تأثیرات منفی بر عملکرد تحصیلی نوجوانان دارند (سورخابی و ماندارا[9]، ۲۰۲۳)، همچنین، والدین سهل‌گیر که کمتر به نظارت و توجه به نیازهای فرزند خود می‌پردازند، ممکن است باعث کاهش انگیزه و توانایی‌های تحصیلی در نوجوانان شوند (زیوری‌رحمان[10] و همکاران، ۲۰۲۵). پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که سبک والدگری مقتدرانه، که توأم با محبت، حمایت، و در عین حال نظم‌مندی و انتظارات مشخص است، با سطوح بالاتری از تاب‌آوری، خودتنظیمی، و انگیزش درونی در دانش‌آموزان همراه است (میلوسکی و همکاران[11]، ۲۰۰۷). در مقابل، سبک‌های مستبدانه و سهل‌انگار، اغلب با افزایش اضطراب، کاهش خودکارآمدی و ضعف در تحمل ناکامی همبستگی دارند که می‌تواند تاب‌آوری تحصیلی را تضعیف کند (امیریان و همکاران، ۲۰۱۴). پژوهش‌های معاصر به وضوح نشان می‌دهند که سبک مقتدرانه، که با ترکیبی متعادل از محبت، پاسخگویی به نیازهای عاطفی، و همچنین وضع قوانین و انتظارات روشن و منطقی مشخص می‌شود، بیشترین همبستگی مثبت را با شاخص‌های سلامت روان و موفقیت تحصیلی دارد (سورخابی و ماندارا، ۲۰۲۳). در چنین محیطی، فضای امن و حمایتگرانه عاطفی همراه با ساختار و راهنمایی واضح، به دانش‌آموز اجازه می‌دهد تا احساس شایستگی کند، شکست را به عنوان بخشی از فرآیند یادگیری بپذیرد و در نتیجه،

1 Patton
2. Tan
3. Shengyao
4 .Aktaş Terzioğlu & Büber
5 Shlaga
6. Parenting Styles
7 .Baumrind
8. Yaffe
9. Sorkhabi & Mandara
10 Zivari Rahman
11. Milevsky

ظرفیت تاب‌آوری خود را تقویت نماید(چوی و سونگ[1]، ۲۰۲۴). این موضوع نشان می‌دهد که سبک والدگری مناسب می‌تواند نه تنها نقش مستقیمی بر تاب‌آوری تحصیلی داشته باشد، بلکه از طریق افزایش بهزیستی تحصیلی، هم تاب‌آوری تحصیلی را تقویت می کند (شنگیائو و همکاران، ۲۰۲۴).

بر این اساس، به نظر می‌رسد که یکی از مهم‌ترین مکانیسم‌های واسطه‌ای در این رابطه، « بهزیستی تحصیلی[2]» باشد. بهزیستی تحصیلی یک حالت روان‌شناختی مثبت و چندبعدی است که تجربه کلی دانش‌آموز از محیط آموزشی را منعکس می‌کند (مهدی زاده، ۲۰۲۵). بهزیستی تحصیلی مجموعه‌ای از مؤلفه‌های روان‌شناختی همچون احساس رضایت از تجربه تحصیلی، ادراک شایستگی تحصیلی، هیجانات مثبت و منفی مرتبط با یادگیری و انگیزش درونی را در بر می‌گیرد (تومینن-سوینی[3] و همکاران، ۲۰۱۲). این سازه فراتر از نمرات درسی است و مؤلفه‌هایی همچون رضایت از مدرسه و تحصیل، احساس تعلق به محیط آموزشی، لذت بردن از فرآیند یادگیری، احساس شایستگی در انجام تکالیف، و انگیزش درونی برای کسب دانش را در بر می‌گیرد (چن[4] و همکاران، ۲۰۲۴). دانش‌آموزانی که از سطح بالایی از بهزیستی تحصیلی برخوردارند، معمولاً از خودکارآمدی، انگیزش درونی و مهارت‌های اجتماعی بالاتری برخوردارند و کمتر در معرض استرس‌ها و مشکلات تحصیلی قرار می‌گیرند، آنها مدرسه را نه به عنوان مکانی برای تهدید و اجبار، بلکه به عنوان محیطی برای رشد، کشف و ارتباط اجتماعی مثبت ادراک می‌کنند. (سیامجتهی[5] و همکاران، ۲۰۲۵). پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که بهزیستی تحصیلی با موفقیت‌های تحصیلی، کاهش استرس و اضطراب‌های مرتبط با مدرسه و حتی بهبود تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان ارتباط مستقیم دارد (چن و همکاران، ۲۰۲۴). بهزیستی تحصیلی نه تنها بر موفقیت‌های تحصیلی تأثیرگذار است، بلکه با ایجاد انگیزه و توانایی مقابله با فشارها، موجب افزایش تاب‌آوری تحصیلی در دانش‌آموزان می‌شود (سهرابی و همکاران، ۱۴۰۰)

با وجود شواهد نسبتاً فراوان در مورد ارتباط دوسویه هر یک از این متغیرها، بررسی ادبیات پژوهشی وجود چندین خلأ مهم و سوال پاسخ‌داده نشده را آشکار می‌سازد. نخست آنکه اگرچه مطالعات متعددی رابطه مستقیم سبک‌های والدگری با تاب‌آوری تحصیلی را تأیید کرده‌اند (مثلاً سورخابی و ماندارا، ۲۰۲۳)، اما مکانیسم‌های دقیق این رابطه به خوبی شناخته نشده است و بخش عمده‌ای از مطالعات پیشین، سبک‌های والدگری را به‌صورت کلی بررسی کرده‌اند و از تحلیل اثرات افتراقی سبک‌های خاص بر مؤلفه‌های تحصیلی غفلت کرده‌اند (مک‌درموت[6] و همکاران، ۲۰۲۰). دوم، اغلب پژوهش‌ها از روش‌های همبستگی ساده بهره گرفته‌اند و توان تحلیل مسیرهای علی و روابط غیرمستقیم را نداشته‌اند و پژوهش‌های محدودی به بررسی نقش بهزیستی تحصیلی به عنوان متغیر میانجی در این رابطه پرداخته‌اند و نتایج این مطالعات نیز ناهمسان است (مهدی زاده، ۲۰۲۵). سوم، عدم وجود مدل‌های مفهومی و ساختاری جامع است که بتوانند پیچیدگی روابط میان این متغیرها را توضیح دهند. بطوری که اکثر مطالعات پیشین به بررسی جداگانه سبک‌های والدگری پرداخته‌اند و مدل‌سازی جامعی که بتواند سهم هر یک از سبک‌ها (مقتدرانه، مستبدانه، سهل‌گیرانه) را در قالب یک مدل یکپارچه تبیین کند، ارائه نداده‌اند (استیچتر[7] و همکاران، ۲۰۱۸). همچنین، فقدان پژوهش‌هایی که به طور همزمان روابط مستقیم و غیرمستقیم این متغیرها را در نمونه‌های ایرانی مورد بررسی قرار دهد، به وضوح احساس می‌شود.

بنابراین، پژوهش حاضر با هدف پاسخ به این خلأهای پژوهشی و با تمرکز بر ارائه و آزمون یک مدل معادلات ساختاری برای تبیین تاب‌آوری تحصیلی بر اساس سبک‌های والدگری با میانجی‌گری بهزیستی تحصیلی در بین دانش‌آموزان طراحی شده است. یافته‌های این مطالعه می‌تواند به رفع ابهامات موجود در چندین حوزه کمک کند: نخست، با مشخص کردن سهم دقیق هر یک از سبک‌های والدگری، وضوح نظری در مورد مکانیسم‌های تأثیرگذاری خانواده بر تاب‌آوری تحصیلی ایجاد می‌کند. دوم، با آزمون نقش میانجی بهزیستی تحصیلی، درک بهتری از فرآیندهای روان‌شناختی که از طریق آن‌ها محیط خانواده بر عملکرد تحصیلی تأثیر می‌گذارد، فراهم می‌آورد. سوم، با ارائه یک مدل بومی، زمینه برای طراحی مداخلات مناسب در بافتار فرهنگی ایران فراهم می‌شود.

ضرورت پژوهش حاضر از آن جهت است که به بررسی مدل ساختاری و تعاملات چندگانه میان متغیرهای مذکور می‌پردازد و با تحلیل نقش میانجی بهزیستی تحصیلی، تبیین جامعی از روابط پیچیده میان سبک‌های والدگری و تاب‌آوری تحصیلی ارائه می‌دهد. این مطالعه با نوآوری در ارائه چارچوب مفهومی یکپارچه، می‌تواند شکاف‌های موجود در ادبیات پژوهشی را پر کرده و اطلاعات ارزشمندی برای والدین،

1 Choi & Sung
2 Academic Well-being
3. Tuominen-Soini
4 Chen
5 Siahmoshtei
6 . Mcdermott
7 Stichter

معلمان، مشاوران و سیاست‌گذاران فراهم کند. به ویژه در جامعه دانش‌آموزان متوسطه دوم که در دوره‌ای حساس از نظر رشد شناختی و اجتماعی قرار دارند، این پژوهش می‌تواند ابزارهای کاربردی برای ارتقاء کیفیت زندگی تحصیلی آن‌ها پیشنهاد دهد. از منظر کاربردی، نتایج این پژوهش می‌تواند کاربردهای مستقیم و غیرمستقیم متعددی داشته باشد. در سطح مستقیم، یافته‌ها می‌تواند مبنای علمی برای طراحی برنامه‌های آموزش والدین و کارگاه‌های توانمندسازی معلمان و مشاوران مدارس قرار گیرد. در سطح غیرمستقیم، این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران آموزشی در تدوین برنامه‌های کلان که به تلفیق نقش خانواده و مدرسه در ارتقای سلامت روانی تحصیلی دانش‌آموزان می‌پردازد، کمک کند. همچنین، شناسایی نقش محوری بهزیستی تحصیلی می‌تواند بر اهمیت توجه به ابعاد عاطفی و روان‌شناختی محیط آموزشی در کنار ابعاد آکادمیک تأکید نماید. در نهایت، این پژوهش با پر کردن خلأهای پژوهشی موجود، گامی در جهت غنی‌سازی ادبیات روان‌شناسی تربیتی ایران برمی‌دارد و مسیر را برای پژوهش‌های آتی در این حوزه هموار می‌سازد. بنابراین مطالعه حاضر با هدف، مدل‌سازی معادلات ساختاری تاب‌آوری تحصیلی بر اساس سبک‌های والدگری با میانجی‌گری بهزیستی تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه دوم شهر کرمان انجام شد.

روش

پژوهش حاضر توصیفی- همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان متوسطه دوم شهر کرمان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۴۰۰ نفر انتخاب و پرسشنامه را تکمیل کردند. بر اساس نظر کالین (۲۰۲۳) حداقل حجم نمونه لازم برای مدل‌های ساختاری ۲۰۰ نفر است، اما با توجه به افت احتمالی شرکت‌کنندگان و ناقص بودن برخی پرسشنامه‌ها، حجم نمونه بر اساس عامل‌های بیشتری ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بود از رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش، دانش آموزان دوره متوسطه دوم، اشتغال به تحصیل و عدم وجود اختلال روانی بر اساس خوداظهاری شرکت‌کنندگان و ملاک‌های خروج از پژوهش نیز عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش و عدم پاسخ به بیش از پنج درصد سؤال‌ها بود. شرکت‌کنندگان به صورت آنلاین از طریق لینک دعوت پاسخگویی به پرسشنامه‌های این پژوهش در گروه‌های دانش آموزان در برنامه‌های واتس‌آپ و تلگرام، به پرسشنامه‌های موجود در پرس لاین پاسخ دادند. در بخش ملاحظات اخلاقی نیز اهداف پژوهش برای شرکت‌کنندگان تشریح شد و همچنین حفظ حریم خصوصی و محرمانگی کاملاً رعایت گردید و پاسخ شرکت‌کنندگان با کد ذخیره گردید و در انتهای پرسشنامه‌ها نیز قید شد در صورت تمایل به دانستن نتایج، راه ارتباطی خود را اعلام کنند. درنهایت، داده‌ها با استفاده از روش تحلیل معادلات ساختاری و با نرم‌افزارهای SPSS و AMOS نسخه ۲۴ تحلیل شدند.

ابزار سنجش

مقیاس تاب‌آوری تحصیلی[1] **(ARS)**: این مقیاس در سال ۲۰۱۶ توسط کسیدی[2] جهت اندازه‌گیری میزان تاب‌آوری تحصیلی ساخته شد. این مقیاس دارای ۳۰ سوال و شامل سه عامل استقامت، تامل و کمک طلبی انطباقی و عدم عاطفه و پاسخ های هیجانی منفی است. نمره‌گذاری گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای از احتمال خیلی زیاد ۱ تا احتمال کم ۵ انجام می پذیرد. دامنه نمرات در این پرسشنامه بین ۳۰ تا ۱۵۰ است و نمره بالا نشان‌دهنده تاب‌آوری تحصیلی بیشتر است. کسیدی (۲۰۱۶) روایی همگرای آن از طریق همبستگی با پرسشنامه خود کارآمدی تحلیل عمومی (۰/۴۹) ذکر کرده است و پایایی پرسشنامه نیز از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۰ گزارش شده است. در ایران سودانی و قاسمی جوبنه (۱۳۹۹) روایی ملاکی مقیاس تاب‌آوری تحصیلی را با مقیاس خود تنظیمی تحصیلی براساس ضریب همبستگی پیرسون ۰/۷۵ گزارش کرده‌اند. علاوه‌براین، ضریب آلفای کرونباخ برای عامل استقامت ۰/۷۵، تامل و کمک طلبی انطباقی ۰/۷۶، عدم عاطفه و پاسخ‌های هیجانی منفی ۰/۷۸ و کل مقیاس ۰/۸۵ گزارش شده است. در پژوهش حاضر پایایی مقیاس براساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۶ بدست آمد.

پرسشنامه بهزیستی تحصیلی[3] **(AWQ)**: این پرسشنامه توسط تومینن-سوینی و همکاران (۲۰۱۲) ساخته شده و دارای ۳۱ سوال با طیف لیکرت ۷ گزینه‌ای از اصلا درست نیست (نمره ۱) تا کاملا درست است (نمره ۷) است. پرسشنامه مذکور شامل ابعاد ارزش مدرسه، فرسودگی نسبت به مدرسه، رضایتمندی تحصیلی و درآمیزی با کار مدرسه است. در این پرسشنامه نمرات بین ۳۱ تا ۲۱۷ است و نمره

1. Academic Resilience Scale
2. Cassidy
3. Academic Well-being Questionnaire

بالاتر نشان دهنده بهزیستی تحصیلی بیشتر است. تومینین- سوینی و همکاران (۲۰۱۲) روایی محتوایی پرسشنامه را ۰/۶۸ و مقدار آلفای کرونباخ برای ابعاد چهارگانه ارزش مدرسه، فرسودگی نسبت به مدرسه، رضایتمندی تحصیلی و درآمیزی با کار مدرسه را به ترتیب ۰/۶۴، ۰/۷۷، ۹۱، و ۰/۹۴ گزارش کرده‌اند. در پژوهش مرادی و همکاران (۱۳۹۵) ضرایب آلفای کرونباخ مولفه‌های ارزش مدرسه ۰/۸۹، فرسودگی نسبت به مدرسه ۰/۸۷، رضایت‌مندی تحصیلی ۰/۹۲، درآمیزی با کار مدرسه ۰/۹۰ و کل مقیاس ۰/۹۲ بدست آمد، و روایی محتوایی مناسب گزارش شده است. در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه براساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۴ بدست آمد.

پرسشنامه سبک والدگری[1] (PSQ): این پرسشنامه توسط رابینسون[2] و همکاران (۲۰۰۱) ساخته شده و دارای ۳۲ سوال با طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از «هرگز» (۱)، «گاهی» (۲)، «بعضی اوقات» (۳)، «بیشتر وقت‌ها» (۴) و «همیشه» (۵) است. سؤال‌های این پرسشنامه برای اندازه‌گیری سه سبک مقتدر، مستبد و سهل گیر تدوین گردیده‌است. دامنه نمرات در این پرسشنامه برای هر مقیاس متفاوت می‌باشد و نمره بالا در هر مقیاس نشان‌دهنده غالب بودن آن سبک والدگری است. رابینسون و همکاران (۲۰۰۱) روایی محتوایی براساس CVR را ۰/۷۹ و پایایی آن را براساس ضریب آلفای کرونباخ برای سبک اقتدارگرایانه ۰/۸۶، مستبدانه ۰/۸۲ و سهل‌گیرانه ۰/۶۴ ذکر کرده‌اند. آن‌ها روایی سازه‌ای پرسشنامه را با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی بررسی کرده‌اند که طبق آن ۳ عامل پرسشنامه ۵۸/۵۱ واریانس را تبیین کرده‌است. در ایران علیزاده و همکاران (۲۰۰۷) روایی سازه‌ای این پرسشنامه را با روش تحلیل عاملی اکتشافی بررسی کرده‌اند که براساس آن ۵۲/۷۴ درصد واریانس توسط سه عامل تبیین می‌شود و ضریب آلفای کرونباخ آن را برای سبک اقتدارگرایانه ۰/۹۰، مستبدانه ۰/۸۳ و سهل‌گیرانه ۰/۶۱ و کل پرسشنامه ۰/۹۱ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه براساس ضریب آلفای کرونباخ برای سبک اقتدارگرایانه ۰/۷۳، مستبدانه ۰/۸۱ و سهل‌گیرانه ۰/۷۷ بدست آمد.

یافته ها

از ۵۶۵ دانش‌آموز مورد بررسی ۵۳/۸ درصد (۲۱۵ نفر) دختر و ۴۶/۲ درصد (۱۸۵ نفر) پسر بود؛ ۳۳/۵ درصد پایه دهم،۳۵/۲ درصد پایه یازدهم، و ۳۱/۳ درصد پایه دوازدهم؛ سن ۲۶/۴ درصد ۱۵ سال، ۳۳/۵ درصد ۱۶ سال، ۳۴/۹ درصد ۱۷ سال و ۵/۳ درصد ۱۸ سال با میانگین ۱۶/۱۹ و انحراف معیار ۰/۸۸ بود. در جدول ۱ اطلاعات توصیفی متغیرها و ورابط بین انها گزارش شده است.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی و ضرایب همبستگی بین متغیرها

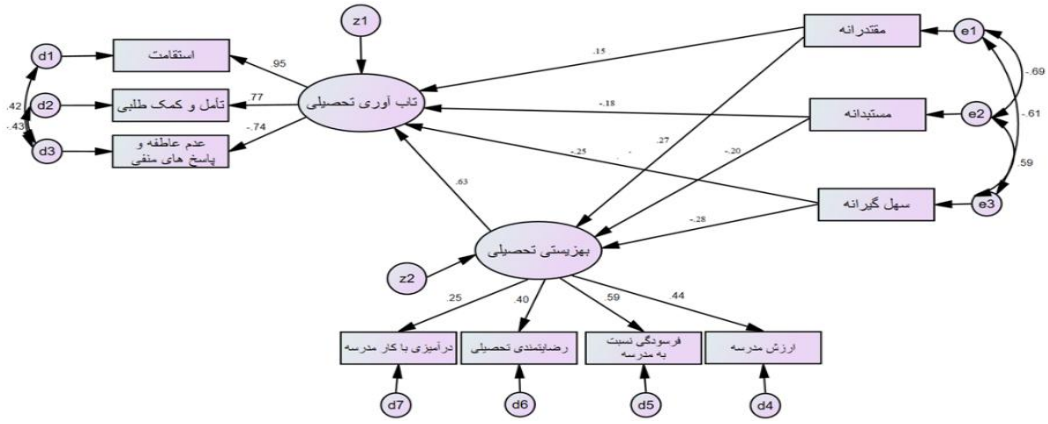
متغیر	۱	۲	۳	۴	۵
۱. بهزیستی تحصیلی	۱				
۲. تاب آوری تحصیلی	۰/۵۱**	۱			
۳. سبک مقتدر	۰/۳۳**	۰/۵۵**	۱		
۴. سبک مستبد	-۰/۳۱**	-۰/۵۴**	-۰/۶۹**	۱	
۵. سبک سهل‌گیر	-۰/۲۶**	-۰/۴۶**	-۰/۶۱**	۰/۵۹**	۱
میانگین	۳/۴۲	۲/۲۱	۳/۰۵	۲/۹۷	۲/۸۷
انحراف معیار	۰/۵۳۲	۰/۶۶۲	۰/۶۶۴	۰/۵۸۴	۰/۸۲
چولگی	-۰/۰۷۶	-۰/۰۱۳	-۰/۱۹	۰/۱۶	۰/۲۱
کشیدگی	-۰/۳۹۷	-۰/۰۴۸	-۰/۰۹	-۰/۳۷	-۰/۴۴

* p<۰/۰۵ **p<۰/۰۱

نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون در جدول ۱ نشان داد که بین سبک فرزند پروری مقتدر با بهزیستی تحصیلی (r=۰/۳۳) و تاب آوری تحصلی (r=۰/۵۵۲) رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. بین سبک فرزند پروری مستبدانه با بهزیستی تحصیلی (r=-۰/۳۱۵) و تاب آوری تحصلی (r=-۰/۵۳۹) رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد. همچنین بین سبک فرزند پروری سهل گیرانه با بهزیستی تحصیلی (r=-۰/۲۵۷) و تاب آوری تحصلی (r=-۰/۴۶۲) رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد (p<۰/۰۵). در جدول ۱ میانگین و انحراف معیار سه

1. Parenting Style Questionnaire
2. Robinson

متغیر اصلی پژوهش ارائه شده است. برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها، از شاخص‌های کجی و کشیدگی استفاده شد. نتایج نشان داد که تمام شاخص‌ها در محدوده مطلوب قرار دارند و این امر بیانگر نرمال بودن توزیع داده‌ها است. بر اساس دیدگاه هر[1] و همکاران (۲۰۱۰) و براین[2] (۲۰۱۰)، اگر مقدار کجی بین ۲- تا ۲+ و مقدار کشیدگی بین ۷- تا ۷+ باشد، توزیع داده‌ها طبیعی در نظر گرفته می‌شود. پیش از اجرای مدل معادلات ساختاری برای بررسی نقش میانجی بهزیستی تحصیلی در رابطه بین سبکهای والدگری و تاب‌آوری تحصیلی، دو پیش‌فرض استقلال خطاها و عدم هم‌خطی چندگانه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که هر دو پیش‌فرض در وضعیت مطلوبی قرار دارند، بنابراین می‌توان از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده کرد. در شکل ۱، مدل معادلات ساختاری با ضرایب استاندارد ارائه شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش با ضرایب استاندارد

در شکل ۱ مدل اصلاح‌شده پژوهش ترسیم شده است و همچنین مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش با تاب‌آوری تحصیلی در جدول ۲ و ۳ ذکر شده است. همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، سبک های والدگری هم به‌صورت مستقیم و هم غیرمستقیم از طریق بهزیستی تحصیلی قادر به پیش‌بینی تاب‌آوری تحصیلی است. در ادامه، نتایج مربوط به اثرات مستقیم متغیرها در مدل در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. ضرایب مسیر متقیم و معناداری مسیرهای مدل

مسیر	بتای غیر استاندارد	خطای استاندارد	بتای استاندارد	ضریب تعیین	مقدار t	سطح معناداری
سبک والدگری مقتدرانه ← تاب‌آوری تحصیلی	۰/۱۵۸	۰/۰۶	۰/۱۵	۰/۰۲۲	۲/۶۱	۰/۰۰۹
سبک والدگری مستبدانه ← تاب‌آوری تحصیلی	-۰/۲۰۸	۰/۰۶۶	-۰/۱۸	۰/۰۳۲	-۳/۱۷	۰/۰۰۱
سبک والدگری سهل گیرانه ← تاب‌آوری تحصیلی	-۰/۱۳۹	۰/۰۴۱	-۰/۲۵	۰/۰۶۲	-۳/۳۹	۰/۰۰۱
سبک والدگری مقتدرانه ← بهزیستی تحصیلی	۰/۲۲۸	۰/۰۷۱	۰/۲۷	۰/۰۷۳	۳/۲۲	۰/۰۰۱
سبک والدگری مستبدانه ← بهزیستی تحصیلی	-۰/۱۹۶	۰/۰۷۹	-۰/۲۰	۰/۰۴	-۲/۵۰	۰/۰۱۳
سبک والدگری سهل گیرانه ← بهزیستی تحصیلی	-۰/۱۶۵	۰/۰۵۱	-۰/۲۸	۰/۰۷۸	-۳/۲۴	۰/۰۰۱
بهزیستی تحصیلی ← تاب‌آوری تحصیلی	۰/۷۶۴	۰/۱۱	۰/۶۳	۰/۴۰	۶/۹۶	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۲ نشان داد که سبک والدگری مقتدرانه اثر مستقیم مثبت بر تاب‌آوری تحصیلی دارد ($p<۰/۰۱$). سبک والدگری مستبدانه و سهل گیرانه اثر مستقیم منفی بر تاب‌آوری تحصیلی دارند($p<۰/۰۰۱$). سبک والدگری مقتدرانه اثر مستقیم مثبت بر بهزیستی تحصیلی دارد ($p<۰/۰۰۱$). سبک والدگری مستبدانه و سهل گیرانه اثر مستقیم منفی بر بهزیستی تحصیلی دارند($p<۰/۰۵$). همچنین، بهزیستی تحصیلی اثر مستقیم مثبت بر تاب‌آوری تحصیلی دارد ($p<۰/۰۰۱$). در ادامه، نتایج مربوط به تحلیل میانجی در جدول ۳ ارائه شده است.

1 Hair
2 Bryne

جدول ۳. اثر نقش میانجی بهزیستی تحصیلی در رابطه بین سبک های والدگری و تاب‌آوری تحصیلی

متغیر برون داد ← میانجی ← متغیر درونداد	ضریب استاندارد	خطای استاندارد	دامنه پایین	دامنه بالا	سطح معناداری
سبک والدگری مقتدرانه ← بهزیستی تحصیلی ← تاب‌آوری تحصیلی	۰/۲۲	۰/۰۶۶	۰/۱۶	۰/۲۹	۰/۰۰۱
سبک والدگری مستبدانه ← بهزیستی تحصیلی ← تاب‌آوری تحصیلی	-۰/۶۱	۰/۰۶۹	-۰/۱۸	-۰/۷۹	۰/۰۰۱
سبک والدگری سهل‌گیرانه ← بهزیستی تحصیلی ← تاب‌آوری تحصیلی	-۰/۲۳	۰/۱۰۹	-۰/۱۶	-۰/۳۲	۰/۰۰۱

با توجه به جدول ۳ می‌توان مشاهده کرد که ضریب مسیر غیرمستقیم بین سبک والدگری مقتدرانه با تاب‌آوری تحصیلی از طریق بهزیستی تحصیلی مثبت و معنادار است(P<۰/۰۰۱، β=۰/۲۲). ضریب مسیر غیرمستقیم بین سبک والدگری مستبدانه با تاب‌آوری تحصیلی از طریق بهزیستی تحصیلی منفی و معنادار است (P<۰/۰۰۱، β=-۰/۶۱). همچنین ضریب مسیر غیرمستقیم بین سبک والدگری سهل-گیرانه با تاب‌آوری تحصیلی از طریق بهزیستی تحصیلی منفی و معنادار است (P<۰/۰۰۱، β=-۰/۲۳). جدول ۴، شاخص‌های برازندگی مدل ساختاری اصلاح‌شده پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل

شاخص برازندگی	دامنه قابل‌پذیرش	مدل مفروض
درجه آزادی	-	۲۶
نسبت خی دو به درجه آزادی	کم‌تر از ۵	۳/۹۲
شاخص برازش هنجار شده(NFI)	بزرگ‌تر از ۰/۹۰	۰/۹۵۸
شاخص برازندگی تطبیقی(CFI)	بزرگ‌تر از ۰/۹۰	۰/۹۶۸
شاخص برازندگی فزاینده(IFI)	بزرگ‌تر از ۰/۹۰	۰/۹۶۸
شاخص نیکویی برازش(GFI)	بزرگ‌تر از ۰/۹۰	۰/۹۶۶
ریشه دوم میانگین مربعات باقی‌مانده(SRMR)	کم‌تر از ۰/۰۸	۰/۰۷۶
ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب(RMSEA)	کم‌تر از ۰/۰۸	۰/۰۷۲

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، حاصل تقسیم کای اسکوئر تقسیم بر درجه آزادی ۳/۹۲ بوده و کمتر از ۵ بود که بیانگر برازش عالی مدل می‌باشد. شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر با ۰/۹۶۶ بود که نشان دهنده برازش مطلوب مدل است. مقدار ریشه دوم میانگین مربعات باقی‌مانده(SRMR) و مقدار ریشه میانگین مجذورات خطای برآورد (RMSEA) نیز ۰/۰۷۲ بود که با توجه به اینکه کمتر از ۰/۰۸ هستند، مطلوب بوده و نشان‌دهنده تأیید مدل پژوهش می‌باشد. شاخص برازش هنجار شده (NFI) برابر با ۰/۹۵۸، شاخص نیکویی برازش(GFI) برابر ۰/۹۶۶؛ شاخص برازندگی فزاینده(IFI) برابر با ۰/۹۶۸؛ شاخص برازش تطبیقی (CFI) برابر با ۰/۹۶۸ بود که همگی نشان دهنده برازش مطلوب و تأیید مدل پژوهش می‌باشد. با توجه به مطالب بالا و شاخص‌های کمی، برازش می‌توان نتیجه گرفت که مدل نظری پژوهش قابل قبول است، بنابراین می‌توان به روابط درون مدل و مقادیر ضریب رگرسیونی بین متغیرهای پنهان پرداخت. شرط معنی‌دار بودن یک رابطه این است که مقدار احتمال برای رابطه مورد نظر کمتر از ۰/۰۵ باشد. بنابراین مدل ساختاری "پیش‌بینی تاب آوری تحصیلی بر اساس سبکهای والد گری با میانجیگری بهزیستی تحصیلی" از برازش کافی برخوردار بود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مدل‌یابی معادلات ساختاری تاب‌آوری تحصیلی بر اساس سبک‌های والدگری با میانجی‌گری بهزیستی تحصیلی در دانش‌آموزان انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که سبک والدگری مقتدرانه به‌طور مستقیم و مثبت بر تاب‌آوری تحصیلی تأثیر می‌گذارد.این یافته با نتایج پژوهشهای سورخابی و ماندارا (۲۰۲۳) ، میلوسکی و همکاران (۲۰۰۷) و ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۰) همسو

بود. در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که سبک والدگری اقتدارگرایانه که به‌طور معمول با حمایت، نظارت، و در عین حال استقلال‌دهی به فرزند همراه است، موجب افزایش تاب‌آوری تحصیلی در دانش‌آموزان می‌شود (میلوسکی و همکاران، ۲۰۰۷). این سبک والدگری با فراهم کردن محیطی امن و حمایتی برای دانش‌آموزان، به آن‌ها امکان می‌دهد که در مواجهه با چالش‌های تحصیلی، از مهارت‌های مقابله‌ای و تاب‌آوری بیشتری بهره‌مند شوند. به عبارت دیگر، والدینی که از سبک اقتدارگرایانه استفاده می‌کنند، به‌طور معمول درک مناسبی از نیازهای عاطفی و تحصیلی فرزندان خود دارند. این والدین علاوه بر اینکه نظم و انضباط را برقرار می‌کنند، به فرزند خود اجازه می‌دهند که در اتخاذ تصمیمات خود استقلال داشته باشد (بامریند، ۱۹۹۱). در نهایت می توان گفت این رویکرد نه‌تنها موجب ایجاد احساس اعتماد به نفس در دانش‌آموزان می‌شود، بلکه به آن‌ها کمک می‌کند که در مواجهه با مشکلات تحصیلی با استفاده از مهارت‌های مقابله‌ای و تاب‌آوری، از خود واکنش‌های مثبت نشان دهند.

طبق یافته‌های پژوهش سبک‌های والدگری مستبدانه و سهل‌گیرانه به‌طور مستقیم و منفی بر تاب‌آوری تحصیلی اثر می‌گذارند.این یافته با نتایج پژوهشهای سورخابی و ماندارا (۲۰۲۳) و زیوری‌رحمان و همکاران (۲۰۲۴) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که سبک‌های والدگری مستبدانه و سهل‌گیرانه، هر کدام به‌طور متفاوتی موجب کاهش تاب‌آوری تحصیلی می‌شوند. در سبک مستبدانه، والدین به‌طور مفرط کنترل‌کننده و سختگیرانه عمل می‌کنند، که می‌تواند منجر به ایجاد اضطراب، ترس از اشتباه و احساس عدم توانایی در دانش‌آموزان شود. این امر می‌تواند مانع از آن شود که دانش‌آموزان در موقعیت‌های تحصیلی فشارزا به‌طور مؤثر عمل کنند و تاب‌آوری تحصیلی آن‌ها کاهش یابد، در واقع والدین مستبد که بیشتر بر اعمال کنترل و فشار بر فرزند خود تأکید دارند ممکن است به‌طور ناخواسته بر احساس اضطراب و فشار روانی فرزند خود بیفزایند. این اضطراب‌ها می‌توانند باعث شوند که دانش‌آموزان از مواجهه با چالش‌های تحصیلی ترسیده و توانایی‌های مقابله‌ای خود را کاهش دهند و در نتیجه فشار روانی ناشی از سبک مستبدانه ممکن است به‌عنوان یک عامل بازدارنده در برابر تاب‌آوری تحصیلی عمل کند (دسی و رایان، ۲۰۰۰). علاوه بر این، در سبک سهل‌گیرانه، که در آن والدین به‌طور کم‌تری نظارت و هدایت می‌کنند، موجب فقدان راهنمایی و حمایت لازم برای دانش‌آموزان می‌شود. در این حالت، دانش‌آموزان ممکن است نتوانند استراتژی‌های مقابله‌ای مناسبی برای چالش‌های تحصیلی خود پیدا کنند و در نتیجه تاب‌آوری تحصیلی آن‌ها کاهش یابد، در سبک سهل‌گیرانه فقدان راهنمایی و نظارت می‌تواند به دانش‌آموزان احساس بی‌هدفی و سردرگمی دهد، که در نهایت موجب کاهش تاب‌آوری تحصیلی آن‌ها می‌شود (سورخابی و ماندارا، ۲۰۲۳). در نتیجه این دو سبک به‌طور مشترک می‌توانند دانش‌آموزان را در مواجهه با چالش‌های تحصیلی ناکام بگذارند و موجب کاهش توانایی‌های مقابله‌ای آن‌ها در برابر فشارهای تحصیلی شوند.

نتایج دیگر پژوهش نشان داد که بهزیستی تحصیلی به‌طور معناداری در رابطه بین همه سبک‌های والدگری و تاب‌آوری تحصیلی نقش میانجی دارد. این یافته نشان می‌دهد که علاوه بر تأثیر مستقیم سبک‌های والدگری، این سبک‌ها از طریق مکانیسم غیرمستقیم و مهم‌تری به نام بهزیستی تحصیلی نیز بر تاب‌آوری تحصیلی اثر می‌گذارند. این یافته با نتایج پژوهش آکتاش ترزی‌اوغلو و بیوبر (۲۰۲۴)؛ چوی و سونگ (۲۰۲۴) و شنگیائو و همکاران (۲۰۲۴)؛ همسو بود. این یافته را می‌توان بر اساس نظریه سیستمی برونفن برنر (۱۹۷۹) تبیین کرد. بر این اساس، روابط ناسالم در سیستم خانواده (خردسیستم) می‌تواند بر عملکرد دانش‌آموز در سیستم مدرسه (خردسیستم دیگر) تأثیر بگذارد. در تبیین این یافته می توان گفت که والدین با سبک‌های اقتدارگرایانه، با اتخاذ یک رویکرد حمایتی و در عین حال با قواعد منطقی، فرزندان خود را به سمت بهبود بهزیستی تحصیلی هدایت می‌کنند. این والدین علاوه بر تأمین نیازهای عاطفی فرزندان، به آن‌ها ابزارهایی برای مدیریت استرس‌های تحصیلی، بهبود تمرکز و افزایش انگیزه برای موفقیت‌های تحصیلی ارائه می‌دهند. از سوی دیگر، آنها با برقراری ارتباط باز و غیرتنبیهی با فرزندان، فضای اعتماد و آرامش را برای آن‌ها فراهم می‌آورند که موجب بهبود عملکرد تحصیلی می‌شود (برنر، ۱۹۷۹). در نتیجه، بهزیستی تحصیلی این دانش‌آموزان به دلیل حمایت‌های عاطفی و نظارت مؤثر والدین ارتقا می‌یابد. در مقابل، والدینی که از سبک‌های مستبدانه یا سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند، معمولاً با نادیده گرفتن نیازهای روانی و تحصیلی فرزندان، تأثیرات منفی بر بهزیستی تحصیلی آنان می‌گذارند. سبک‌های مستبدانه، که در آن‌ها کنترل‌های سخت و قوانین خشک غالب است، می‌تواند به افزایش اضطراب و استرس تحصیلی، کاهش انگیزه تحصیلی و حتی بی‌اعتمادی در دانش‌آموزان منجر شود. در این شرایط، دانش‌آموزان ممکن است نتوانند در محیط‌های تحصیلی با انگیزه و اعتماد به نفس بالا عمل کنند و در نتیجه بهزیستی تحصیلی آن‌ها کاهش یابد (چوی و سونگ، ۲۰۲۴). از سوی دیگر، سبک‌های سهل‌گیرانه که در آن‌ها نظارت و هدایت کمتری از سوی والدین انجام می‌شود، موجب ضعف در ایجاد نظم، انگیزه و مسئولیت‌پذیری در فرزندان می‌شود. این ضعف‌ها باعث می‌شود که دانش‌آموزان در مواجهه با چالش‌های تحصیلی ضعیف‌تر عمل کنند و بهزیستی تحصیلی آنان کاهش یابد. کنترل شدید در سبک مستبدانه و بی‌توجهی در سبک

سهل‌گیرانه، به احساس بی‌کفایتی و عدم تعلق در دانش‌آموزان منجر می‌شود که این امر بهزیستی تحصیلی را تحت تأثیر قرار داده و در نهایت تاب‌آوری تحصیلی را کاهش می‌دهد (آکتاش ترزی‌اوغلو و بیوبر، ۲۰۲۴). در نتیجه می توان گفت که سبک‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه از طریق تضعیف بهزیستی تحصیلی تاثیر غیرمستقیم منفی و سبک مقتدرانه از طریق تقویت بهزیستی تحصیلی تأثیر غیرمستقیم مثبت بر تاب‌آوری دارند.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که تاب‌آوری تحصیلی محصول تعامل پیچیده بین عوامل مختلف در سطوح مختلف سیستم‌های محیطی است. در این میان، خانواده به عنوان نزدیک‌ترین سیستم به دانش‌آموز و مدرسه به عنوان سیستم مستقیم آموزشی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری تاب‌آوری تحصیلی ایفا می‌کنند. سبک والدگری مقتدرانه با ایجاد محیط خانوادگی بهینه، بنیان‌های لازم برای توسعه توانایی‌های مقابله‌ای را فراهم می‌کند و بهزیستی تحصیلی نیز با ایجاد تجربیات مثبت در محیط آموزشی، این توانایی‌ها را تقویت می‌کند. به‌کارگیری سبک والدگری مقتدرانه که مبتنی بر تعادل بین محبت و انتظارات منطقی است، هم مستقیماً تاب‌آوری تحصیلی را تقویت می‌کند و هم از طریق ارتقای بهزیستی تحصیلی، به‌صورت غیرمستقیم بر افزایش تاب‌آوری تحصیلی مؤثر است. در مقابل، سبک‌های والدگری مستبدانه و سهل‌گیرانه، هم به‌طور مستقیم و هم از طریق تضعیف بهزیستی تحصیلی، تاب‌آوری تحصیلی دانش‌آموزان را کاهش می‌دهند. توجه همزمان به سبک‌های والدگری و بهزیستی تحصیلی می‌تواند راهبرد مؤثری برای ارتقای تاب‌آوری تحصیلی در دانش‌آموزان باشد. این یافته‌ها بر اهمیت طراحی برنامه‌های مداخله‌ای جامع که هم بر آموزش والدین و هم بر بهبود محیط آموزشی متمرکز باشند، تأکید دارد.

پژوهش حاضر محدودیت‌هایی دارد که باید در نظر گرفته شود؛ از جمله این پژوهش در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر کرمان انجام شده است و برخی از متغیرهای مداخله‌گر مانند وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده، حمایت همسالان و ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان به‌طور کامل کنترل نشده‌اند و از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شده است. بنابراین، تعمیم نتایج به سایر جوامع و گروه‌های سنی باید با احتیاط صورت گیرد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، این متغیرهای مداخله‌گر در نظر گرفته شده و مطالعات در نمونه‌های متنوع‌تر و با طرح‌های طولی انجام شود تا روابط علی دقیق‌تری بین متغیرها مشخص گردد. در بُعد کاربردی، پیشنهاد می‌شود کارگاه‌های آموزشی برای والدین با هدف آموزش سبک والدگری مقتدرانه و همچنین برنامه‌های مداخله‌ای برای مدارس با هدف افزایش بهزیستی تحصیلی دانش‌آموزان اجرا شود. این برنامه‌ها می‌توانند با تأکید بر تقویت رابطه والد-فرزندی، ایجاد محیط خانوادگی حمایتگر، افزایش احساس تعلق به مدرسه و تقویت انگیزش درونی دانش‌آموزان، به ارتقای تاب‌آوری تحصیلی و بهبود عملکرد آموزشی کمک شایانی کنند. علاوه بر این، آموزش معلمان در زمینه تأثیر سبک‌های تربیتی بر عملکرد تحصیلی و راهکارهای تقویت بهزیستی تحصیلی می‌تواند در ایجاد محیط آموزشی حامی تاب‌آوری مؤثر باشد.

منابع

سودانی، م؛ و قاسمی جوبنه، ر. (۱۳۹۹). روایی و پایایی مقیاس تاب آوری تحصیلی در دانشجویان کارشناسی دانشگاه های شهر اهواز. مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی یزد، ۱۵(۲)، ۱۰۷-۱۱۵. SID. https://sid.ir/paper/368847/fa

سهرابی، ظ؛ طاهرزاده قهفرخی، س؛ حاتم پور، ا؛ میروقشلاق، ف؛ و محمدپور، مهدی. (۱۴۰۰). رابطه اض طراب کرونا و بهزیستی تحصیلی با میانجیگری امید تحصیلی در دانش‌آموزان .*پژوهش در نظام‌های آموزشی*. ۱۵ (۵۵)، ۱۷۷-۱۶۵.doi: 20.1001.1.23831324.1400.15.55.20.8

مرادی، م؛ سلیمانی خشاب، ع؛ شهاب زاده، ص؛ صباغیان، ح؛ و دهقانی زاده، م.ح. (۱۳۹۵). آزمون ساختار عاملی و سنجش همسانی درونی نسخه ایرانی پرسشنامه بهزیستی تحصیلی. اندازه گیری تربیتی، ۶(۲۴)، ۲۵۱-۲۷۶. SID. https://sid.ir/paper/214640/fa

Aktaş Terzioğlu, M., & Büber, A. (2024). Alexithymia, internet addiction, and cyber-victimisation among high school students in Turkey: an exploratory study. *Behaviour & Information Technology*, 1–12. https://doi.org/10.1080/0144929X.2024.2353273.

Alizadeh, H., Applequist, K. F., Coolidge, F. L. (2007). Parental Self-Confidence and Parenting Styles in Families of Children with AD/HD. *International Journal of Child Abuse and Neglect, 31*: 567-572. 10.1016/j.chiabu.2006.12.005

Amirian, M. E., Falahi, H., Zivari Rahman, M., & Shokouhi Moghadam, S. (2014). The Relationship between Employees' Maturity and Organizational Intelligence by Offering a Model of Structural Equations. *Journal of Applied Sciences Research, 10*(7), 11–17. http://www.aensiweb.com/old/jasr/jasr_june_2014.html

Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence, 11*(1), 56–95. https://doi.org/10.1177/0272431691111004

Byrne, B. M. (2010). *Structural equation modeling with AMOS: Basic concepts, applications, and programming*. New York: Routledge.

Cassidy S. (2016). The Academic Resilience Scale (ARS-30): A New Multidimensional Construct Measure. *Frontiers in psychology*, *7*, 1787. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2016.01787.

Chen, J., Du, X., Guerra, A., da Silva, F. M. F., & Chaaban, Y. (2024). Sources contributing to engineering students' academic well-being: An exploration using the Q methodology. *Journal of Engineering Education*, *113*(3), 576–602. https://doi.org/10.1002/jee.20605.

Choi, Y., & Sung, J. (2024). Do Key Predictors of Academic Resilience Differ Across Cultures? Evidence From Korea and the US. *Youth & Society*, *56*(7), 1237–1262. https://doi.org/10.1177/0044118X241227563

Ghanbari, S. , Zivari Rahman, M. , Shokuhi, S. (2013). The impact of Islamic revolution course on promotion of study familiarity with soft war (Case study at Kerman University). *Scientific Research Journal on Islamic Revolution*, *2*(5), 49–66. https://rjir.basu.ac.ir/article_342_2.html.

Hair, J., Black, W. C., Babin, B. J. & Anderson, R. E. (2010). Multivariate data analysis (7th ed.). Upper Saddle River, New Jersey: Pearson Educational International. https://www.scirp.org/reference/ReferencesPapers?ReferenceID=1841396

Kline, R. B. (2021). Principles and Practice of Structural Equation Modeling (5th ed.). Guilford Press.

Khodabandehlou, S., & Zivari Rahman, M. (2017). Providing a new approach for segmenting customers based on their purchasing behavior change over time in electronic business. *Journal of Information Technology Management*, *9*(2), 277-300. https://doi: 10.22059/jitm.2017.61417

Mahdizadeh S., & Zivari Rahman M, (2025). Structural Equation modeling of the relationship between emotional schemas and academic self-efficacy with the mediating role of academic emotions in high school girls in mashhad. *Journal of Psychological Science*. *24*(151), 245-262.URL: http://psychologicalscience.ir/article-1-2763-en.html

Mcdermott, R. C., Fruh, S. M., Williams, S., Hauff, C., Graves, R. J., Melnyk, B. M., & Hall, H. R. (2020). Nursing students' resilience, depression, well-being, and academic distress: Testing a moderated mediation model. *Journal of Advanced Nursing*, *76*(12), 3385–3397. https://doi.org/10.1111/jan.14531

Milevsky, A., Schlechter, M., Netter, S., & Keehn, D. (2007). Maternal and paternal parenting styles in adolescents: Associations with self-esteem, depression and life-satisfaction. *Journal of Child and Family Studies*, *16*, 39–47. https://doi.org/10.1007/s10826-006-9066-5

Moradi M, Soleimani Khoshab A, Shahabzadeh S, Sabaghian H, Dehghanizadeh MH. (2016). Factor structure testing and internal consistency measurement of the Iranian version of the Academic Well-Being Questionnaire. *Educ Meas*, *6*(24):251-276. [Persian] https://sid.ir/paper/214640/fa

Patton, G.C., Sawyer, S.M., Santelli, J.S., Ross, D.A., Afifi, R., Allen, N.B., et al. (2016) Our Future: A Lancet Commission on Adolescent Health and Wellbeing. *The Lancet*, *387*, 2423-2478. https://doi.org/10.1016/S0140-6736(16)00579-1

Robinson, C. C., Mandleco, B., Olsen, S. F., & Hart, C. H. (2001). The Parenting Styles and Dimensions Questionnaire (PSDQ). In B. F. Perlmutter, J. Touliatos, & G. W., Holden (Eds.), Handbook of family measurement techniques: Vol. 3. Instruments & index (pp. 319-321). Thousands Oaks: Sage. https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=2549778

Shengyao, Y., Salarzadeh Jenatabadi, H., Mengshi, Y., Minqin, C., Xuefen, L., & Mustafa, Z. (2024). Academic resilience, self-efficacy, and motivation: The role of parenting style. *Scientific Reports*, *14*(1), 5571. https://doi.org/10.1038/s41598-024-55530-7

Shokouhi Moghadam S, Zivari Rahmani M, & Lesani M. (2011). Sports and mental health and happiness in high school students in Kerman. *Journal of Health Psychology*, *1*(3), 61-80. SID. https://sid.ir/paper/242664/en

Siahmoshtei, J., Zivari Rahman, M., & Mikaeili, N. (2025). Modeling of the mediating role of health literacy in the relationship between early maladaptive schemas and coping strategies in cancer patients. *Scientific Journal of School of Public Health and Institute of Public Health Research*, 22(4), 389–406. http://sjsph.tums.ac.ir/article-1-6372-en.html

Shlaga, M. H. (2025). The relationship between psychological security and academic performance among university students. *International Journal of Body Mind and Culture*, *12*(5), 192-198. https://doi.org/10.61838/ijbmc.v12i5.868

Sohrabi Z, Taherzadeh Qahfarkhi S, Hatampour I, Mirqashlaq F, Mohammadpour M.(2021). The relationship between COVID-19 stress and academic well-being with the mediation of academic hope in students. *Res Educ Syst.;15(*55):165-177 [Persian] doi: 20.1001.1.23831324.1400.15.55.20.8.

Sorkhabi, N., & Mandara, J. (2013). Are the effects of Baumrind's parenting styles culturally specific or culturally equivalent? In Authoritative parenting: Synthesizing nurturance and discipline for optimal child development (pp. 113–135). American Psychological Association. https://doi.org/10.1037/13948-006

Stichter, J. P., Herzog, M. J., Kilgus, S. P., & Schoemann, A. M. (2018). Exploring the Moderating Effects of Cognitive Abilities on Social Competence Intervention Outcomes. *Behavior modification*, *42*(1), 84–107. https://doi.org/10.1177/0145445517698654

Sudani M, Qasemi Jobaneh R. (2020).Validity and reliability of the academic resilience scale in undergraduate students of universities in Ahvaz. J Educ Med Sci Dev.15(2):107-115. [Persian] https://sid.ir/paper/368847/fa

Tan, W., Chen, J., Lu, S., Liu, C., Luo, Q., Ma, Y., Zhou, Y., Wong, T. K. S., Chen, H., Song, L., Miao, C., Chen, J., & Smith, G. D. (2024). Psychometric evaluation of the Chinese version of the Academic Resilience Scale-30 (C-ARS-30) in college students. Frontiers in Psychology, 15. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2024.1276618.

Tuominen-Soini H., Salmela-Aro K., Niemivirta M. (2012).Achievement Goal Orientations and Academic Well-Being Across the Transition to Upper Secondary Education. *Learn Individ Differ.;22(*3):290-305. https://doi.org/10.1016/j.lindif.2012.01.002.

Yaffe, Y. (2023). Systematic review of the differences between mothers and fathers in parenting styles and practices. *Current Psychology*, *42*(19), 16011–16024. https://doi.org/10.1007/s12144-020-01014-6.

Zivari Rahman M, Salehi K, Khodaei E, Moghadam Zadeh A, Hakimzadeh R (2024). Explaining the Role of Environmental Factors on the Scholastic Aptitude of Ninth-Grade Students. *Iranian Journal of Learning and Memory*, *6*(24), 15–27. https://doi.org/10.22034/iepa.2024.412240.1438.

Zivari Rahman, M. , Siahmoshtei, J. , Narimani, M. and Garosi, A. (2025). The Effectiveness of Cognitive Analytical Hypnotherapy on Emotional Regulation and Academic Self-Concept in Fifth and Sixth-Grade Students with Specific Learning Disabilities. *Journal of Learning Disabilities*, doi: 10.22098/jld.2025.16445.2219